

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۳۰ اکتوبر ۲۰۱۹

## "هادی صلح" و یا مالک "باز قدرت"؟!

سه شنبه- ۰۷ عقرب ۱۳۹۸ - کابل: از چند روز بدین سو می شنویم و می خوانیم که باز هم "زلمی خلیزاد" در منطقه و افغانستان در سیر و سفر است تا با "چراغ جادو"یش، جنگ و خونریزی را در افغانستان متوقف و صلح را جایگزین آن نماید. در یادداشت امروز توجه شما را به علت دیگر این مسافرت جلب می نمایم:

۱- بررسی حیات "خلیزاد" در ۴ دهه اخیر به وضاحت نشان داده است که وی همیشه "آتش بیار" جنگ بوده است و هیچ گاهی نقشی و تلاشی در ایجاد صلح و سلم نداشته است. در آخرین مأموریتی که بعد از نه ماه آزرگار سردواند مردم افغانستان، مردم امریکا و جهان و حتا مقامات امریکای جنایتکار زیر نام صلح انجام داد از قرار معلوم چنان نتایج افتضاح آمیزی را سبب گردیده بود که ترمپ ناگزیر شد با توسل به یکی از دیوانه بازی های معمولش، همه را نیست و نابود اعلام دارد تا حد اقل دولتش را از بینی بریدگی محصول نه ماه رفت و آمد "خلیزاد" و مصارف گزاف آن، نجات بدهد.

همین بررسی در یک نکته دیگر به نفع "خلیزاد" نظرات را جلب می نماید. آن نکته تشخیص و جذب عناصر خاین به وطن و وطنداران به طرف امپریالیسم امریکا و با برجسته ساختن آنها خود را به مثابه "زامدار ساز" یا همان "پادشاه ساز" دوره های گذشته تثبیت نمودن می باشد.

۲- بنا بر محاسباتی که این قلم از تمام کش و قوس ها و زد و بند های حاکم بر جو سیاسی افغانستان دارد، عقیده دارم که آمدن "خلیزاد" اینک به افغانستان با آن که ظاهراً زیر ردای تلاش به خاطر رسیدن صلح خود را عرضه می دارد، و اینجا و آنجا تمام هدف مسافرتش را امکان مبداله و رهائی دو استاد دانشگاه امریکائی کابل که نزد طالبان اسیر اند با "حقانی" یکی از رهبران شاخه حقانی طالب عنوان می نماید، مگر در واقعیت امر آن طور نیست؛ بلکه اینبار باز هم "خلیزاد" به همان منظوری به افغانستان آمده و با تمام خاینان همه روزه نرد عشق و دوستی می بازد، که در آن تخصص دارد، یعنی جذب نوکر بهتر و مطیعتر جهت سپردن نیابت امپریالیسم امریکا به وی.

به عبارت دیگر غرض از مسافرت اینبار "خلیزاد" به افغانستان، انتخاب فردیست که می باید برای پنج سال دیگر دست دراز، گوش شنوا، چشم بینا و وجدان خفته امپریالیسم امریکا در افغانستان باشد، یعنی "وایسرای" امریکا در افغانستان در پوشش "رئیس جمهور".

۳- تجارب تاریخی استعمار گران به آنها آموخته است که یکی از بهترین طرق انتخاب "اصلح" از بین چندین گزینه، آنها را در یک آزمون رقابتی قرار دادن است. آنهم در شرایط ویژه و به اصطلاح "نوک ناوه".

می دانیم که بعد از برگزاری بالماسکه انتخابات و امتناع مردم از شرکت در آن که منتج به تنگ شدن عرصه تقلب گردید، در حالی که امریکا بعد از مصرف حدود یک تریلیون دالر، سر انجام می خواهد زمام امور افغانستان را به دست نوکری بسپارد که خودش بتواند جهت انجام وظایف سپرده شده با کمک کمی روی پایش بایستد، در بالماسکه انتخابات افغانستان قضایا قسمی حرکت نمود که در یک طرف "غنی احمدزی" با ادعای میراث اجدادی ریاست و در طرف دیگر "عبدالله عبدالمود" با حرکت از اصل "ژرنده که د پلار ده هم په وار ده" و از همه گذشته "گلبدین" به مثابه یگانه "وارث حقیقی اسلام سیاسی" در افغانستان به چیزی کمتر از ریاست جمهوری قناعت نورزند، مشکل دیگری بر مشکلات امپریالیسم امریکا افزود.

در چنین شرایطی، امپریالیسم امریکا در حالی که "گلبدین" را با تمام رجز خوانی هایش به وسیله ای که برای خودشان آشکار است توانست خفه سازد و نگذارد تا صدایش را بلند نماید، مگر هیچ دلش نمی خواهد در مورد دو حریف دیگر از عین روش کار گیرد. یعنی زور بگوید. بناءً "خلیلزاد" را فرستاده تا استمزاج از "عالی و موالی و حسن دیوالی" و صحبت های متواتر با دوطرف مدعی بردن انتخابات، ارزیابی نماید که اولاً کدام یک از آنها حاضر است قلاده بردگی امریکا را تنگتر بر گردن خودش و مردم افغانستان ببندد و در ثانی واقعاً شایستگی آن را دارد تا تاج وطنفروشی بر سرش گذاشته شود.

ساده بنویسم، "خلیلزاد" این بار نیامده تا به ارتباط آوردن صلح با طالب و یا رهائی یکی دو زندانی که با موافقت و ویا بدون موافقت دولت دست نشانده به رهائی "حقانی"، می تواند آن را انجام دهد، با این و آن مذاکره و مفاهمه نماید، بلکه آمده است تا زمامدار بعدی را انتخاب و چگونگی بر تخت نشاندنش را مساعد بسازد. اگر هیچ کسی را نیافت برگردد به همان خواسته اولیه اش یعنی "تشکیل حکومت موقت".

**دیده شود چه می شود!!**